



University of Tehran Press

The Position Challenges of Majlis in the Context of the 90th Principle Commission's Evolution

Mohammad Mansouri Boroujeni[✉] 

Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.mansouri.b@ase.ui.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Ground: The enforcement of will is the purest form of exercising power, and it is a concern for every politician to enforce their will. Thus, members of the parliament are motivated to request extraordinary powers or status such as organizational independence, financial independence, and judicial jurisdiction for the 90th Principle Commission, as this institution is one of the means of enforcing the parliament's will. Method: Using the framework of historical institutionalism, this article examines the current situation and estimates the prospects of the Commission. In addition to analyzing the institutional characteristics, we examine the political environment of the Commission to illustrate how the Commission has been placed in a new political environment that hinders its institutional growth. Goal: By describing the environmental and endogenous factors of the Commission's evolution, we aim to provide an explanation about the current state of this institution and its possible future prospects. Results: Based on the research results, the life of the Commission after the Islamic Revolution has been divided into three periods: "Free Progress (1980-1985)"; "Resistance and Limited Progress (1985-1987)"; and "Balance (1987 to present)". Conclusion: the Commission had reached its maximum growth at the beginning of the third period, and without a fundamental change in the current balance of powers, efforts to improve its position cannot be expected to yield results.
Pages: 1-27	
Received: 2024/04/24	
Received in Revised form: 2024/07/20	
Accepted: 2024/11/12	
Published online: -----	
Keywords: <i>Checks and Balance; Separation of Powers; The 90th Principle; Constitutional Balance; Historical Institutionalism.</i>	
How To Cite	Mansouri Boroujeni, Mohammad (2026). The Position Challenges of Majlis in the Context of the 90th Principle Commission's Evolution. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-27. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2024.373867.3502
DOI	10.22059/jpls.2024.373867.3502
Publisher	The University of Tehran Press. 



نقش نظارتی مجلس در پرتو تحول تاریخی جایگاه اصل ۹۰ قانون اساسی

محمد منصوری بروجنی ✉

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: m.mansouri.b@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۷-۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱ تاریخ انتشار برخط: ----- کلیدواژه‌ها: نظارت و تعادل، تفکیک قوا، اصل نودم، تعادل اساسی، نهادگرایی تاریخی.	زمینه: انفاذ اراده ناب‌ترین شکل اعمال قدرت است و برای هر سیاست‌مداری این یک دغدغه است که چگونه اراده خود را نافذ کند. به همین دلیل نمایندگان مجلس برای کمیسیون اصل نودم، تقاضای اختیارات یا جایگاه فوق‌العاده، مثل استقلال سازمانی، استقلال مالی، و صلاحیت قضایی می‌کنند؛ زیرا این نهاد یکی از ابزارهای تنفیذ اراده مجلس است. روش: این مقاله با استفاده از چارچوب نهادگرایی تاریخی به بررسی وضعیت کنونی و تخمین چشم‌انداز کمیسیون اصل نودم قانون اساسی می‌پردازد. در این مقاله علاوه بر تحلیل مشخصات نهادی، به تحلیل مشخصات فضای سیاسی کمیسیون اصل نودم می‌پردازیم تا نشان دهیم کمیسیون اصل نودم چگونه در یک فضای سیاسی جدید قرار گرفته که مانع از رشد نهادی آن می‌شود. هدف: با توصیف عوامل محیطی و درون‌زای تکامل کمیسیون اصل نودم، می‌کوشیم تا به توضیحی درباره وضعیت امروزی این نهاد و چشم‌انداز احتمالی آن در آینده دست یابیم. یافته‌ها: بر اساس دستاوردهای تحقیق، حیات کمیسیون اصل نودم پس از انقلاب اسلامی به سه دوره «پیش‌روی آزادانه؛ ۱۳۵۹-۱۳۶۴»، «مقاومت و پیش‌روی محدود؛ ۱۳۶۴-۱۳۶۶»، و «تعادل؛ ۱۳۶۶ تاکنون» تقسیم شده است. نتیجه: این کمیسیون در آغاز دوره سوم به حداکثر رشد خود رسیده بود و بدون تغییری اساسی در موازنه کنونی قوا نمی‌توان انتظار داشت تلاش‌ها برای ارتقای جایگاه آن منتج شود.
استناد	منصوری بروجنی، محمد (۱۴۰۴). نقش نظارتی مجلس در پرتو تحول تاریخی جایگاه اصل ۹۰ قانون اساسی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، (—)، ۱-۲۷. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.373867.3502
DOI	10.22059/jplsqt.2024.373867.3502
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در بررسی اصل نودم در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی یک پرسش اساسی پیرامون آن وجود داشت: آیا این اصل نافذ می‌شود؟ اصل نودم پیشینه‌ای در اصل سی‌ودوم قانون موشح ۱۳۲۴ ه.ق.^۱ (موسوم به قانون اساسی مشروطیت) داشته است و این پرسش مبتنی بر ادراک نمایندگان از تجربه آن اصل بود. مراد ما از نفوذ، مؤثر شدن انشای فرد در جهان واقع است. در ترمینولوژی حقوق، این یکی از معانی ضمنی لغت یادشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۷۱۹).^۲ نفوذ وضعیتی حقوقی است، اعم از آنکه اثرات رؤیت‌پذیر - عملیات مادی (اجرا) - داشته باشد یا نه. مثلاً کارکرد دستگاه حکومت برای کشور (شخص حقوقی) ایجاد نفوذ است. حکومت کردن در درجه اول مسئله نافذ و مجری کردن اراده دولت در جهان واقع است. بنابراین نفوذ با صحت^۳ (اعتبار) فرق دارد. مسئله صحت (اعتبار)، سازگاری با سایر قواعد و هنجارهای نظام حقوقی است (بیکیس، ۱۳۸۹: ۹۳)؛ حال آنکه، نفوذ لازمه صحت یا اعتبار است. غایت نظام حقوقی نافذ کردن کلیه امور معتبر یا صحیح است.

مسئله «اجرا» به همین دلیل با نفوذ گره می‌خورد. در سطح نظام حقوقی، نفوذ محتاج هیچ عمل اضافه‌ای نیست و به‌خودی‌خود محقق می‌شود؛ اما در جهان واقع، گاه محتاج عملیات اجرایی است. امور تقنینی و قضایی نیز باید نافذ شوند، اما در نتیجه تفکیک صلاحیت‌ها، اختیارات اجرایی به قوه مجریه مختص شده و انفاذ قانون^۴ از او انتظار می‌رود. چنین وضعیتی ضرورت ایجاد حدی از همکاری و اثر بر مجریه را ایجاد می‌کند. در اینجاست که قوای دیگر می‌کوشند در قوه مجریه «اعمال نفوذ»^۵ کنند تا اراده خود را «نافذ» سازند. در ایران اجرای احکام دادگستری به قضاییه‌ای مستقل از مجریه سپرده شده است، اما وقتی مجلس عهده‌دار رسیدگی به شکایات از طرز کار قوای دیگر می‌شود، چه باید بکند؟ هدف این است که نشان داده شود چگونه اصل نودم تا جای ممکن در خدمت اعمال نفوذ^۶ مجلس و انفاذ اراده آن قرار گرفته است. جلوه‌هایی از دغدغه نفوذ در جریان بررسی نهایی متن اصل نودم را می‌توان در نگرانی از بی‌جواب

۱. اصل سی‌ودوم: هرکس از افراد ناس می‌تواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد؛ اگر مطلب راجع به خود مجلس باشد، جواب کافی به او خواهد داد؛ و چنانچه مطلب راجع به یکی از وزارتخانه‌ها است، به آن وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند.

۲. برای به کار نبردن ادات عنوان برای تک‌تک اشخاصی که نام آن‌ها در این مقاله مذکور است، عذر می‌خواهم.

3. Validity

4. Law enforcement

5. Influence

6. Enforced

۷. این معنا از نفوذ در قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی به کار رفته است.

گذاشتن شکایت توسط وزارتخانه‌ها (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴: ۹۲۵) «بی‌فایده» و «تشریفاتی» بودن اصل سی‌ودوم در رژیم سابق، (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۹۲۹) امکان بی‌توجهی نمایندگان مجلس به این وظیفه (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۹۲۵)، و تقاضای تعیین موعد رسیدگی برای مجلس (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۹) ملاحظه کرد. به‌رغم توضیحات نایب رئیس مجلس، پیرامون مسئولیت نمایندگان مجلس در برابر رأی‌دهندگان (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۹۲۵-۹۲۶)، برخی قانع نشدند و خواستار ضمانت اجرای قاطع و برنده برای قانون بودند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴: ۹۲۸).

جالب آنکه، در طول حیات اصل نودم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی (از این به بعد مجلس) میراث‌بر همین دغدغه شده‌اند. گویا نمایندگان مجلس، اراده مؤسس اصل نودم را در سایر اجزای کشور نافذ نمی‌بینند. هدف قوانین وضع‌شده راجع به اصل نودم چگونگی نفوذ اراده مجلس بوده است، به همین علت از این اصل وسیله‌ای برای اعمال نفوذ بر قوای دیگر ساخته‌اند.^۱ ایجاد کمیسیون اصل نودم (از این به بعد کمیسیون) پاسخی به همین دغدغه بوده است و از آنجا که این دغدغه هنوز کهنه نشده است، وضعیت نهادی کمیسیون دارای اهمیت است.

در این مقاله، با استفاده از چارچوب نهادگرایی تاریخی به تحلیل وضعیت کنونی کمیسیون اصل نودم قانون اساسی می‌پردازیم. این رویکرد از تاریخ به مثابه ابزاری برای تحلیل نهادی استفاده می‌کند (Steinmo, 2008: 122). نهادگرایی تاریخی بر این نکته تأکید دارد که نهادهای سیاسی پس از اینکه ساخته می‌شوند، به تدریج تغییر می‌کنند (Mahoney & Thelen, 2010: 1)، و تنها موضوع برآمدن یا افول نهادها نیست که ارزش مطالعه دارد؛ بلکه چگونگی تغییر آن‌ها نیز مهم است (Mahoney & Thelen, 2010: 2). یکی از رسالت‌های این رویکرد نیز درک بهتر فرآیند تغییر نهادی بوده است (Steinmo, 2008: 129). کاربرد چارچوب تاریخی در تحقیق حاضر عیان ساختن جلوه‌هایی از تحول کمیسیون است، که دکترین حقوقی با ابزارهای سنتی تحقیق خود از نشان دادن آن عاجز است یا گمان می‌کند خارج از حیطه وظایف حقوق است.

چنانچه نگرش معمول حقوق‌دانان راجع به کمیسیون را در چارچوب نهادگرایی تاریخی قرار دهیم، مسئله این‌طور تحلیل می‌شود که ایشان «شوک قانون اساسی جدید» یا «تغییر محیط سیاسی ایران پس

۱. خواننده گرامی تفاوت مفهومی این دو را در نظر داشته باشد.

از انقلاب اسلامی» را به عنوان عامل برون زای تأسیس کمیسیون در نظر می گیرند. در نتیجه به کمیسیون به مثابه پدیده ای می نگرند که در اثر این عامل برون زای یک بار برای همیشه ایجاد شده است؛ و در مقام تحلیل دکترین حقوقی، این کمیسیون را - به رغم حیات پرمجاری خود - به عنوان یک ساختار ایستا در نظر می گیرند. این نحوه تحلیل تغییرات بعدی کمیسیون یا مقاومت های آن علیه تغییر را نادیده می گیرد. همان گونه که استینمو می گوید، نهادگرایی تاریخی از این نظر شبیه زیست شناس محیطی است که نقش محیط زیست را در تحولات یک ارگانیسم نیز نادیده نمی گیرد، چه رسد به نهادی که در زمان و فضاهای متفاوتی سیر کرده است (Steinmo, 2008: 128). همان گونه که نهادگرایی تاریخی، علاوه بر عوامل محیطی و شوک های بیرونی، ما را به عوامل درون زای تدریجی توجه می دهد (Mahoney & Thelen, 2010: 2-3)، در این تحقیق قصد داریم با روایتی تاریخی از حیات کمیسیون اصل نودم، عوامل محیطی و درون زای تکامل کمیسیون اصل نودم را آشکار سازیم تا به توضیحی درباره وضعیت امروزی این نهاد و چشم انداز احتمالی آن در آینده دست یابیم.

تفاوت نهادگرایی تاریخی با دیگر رویکردهای نهادگرا در این است که علاوه بر تأکید بر انسان، خواه به عنوان موجودی هنجارپذیر و خواه به عنوان موجودی عقلایی و خودمحور، به زمینه عملکرد او نیز توجه می کند (Steinmo, 2008: 126). در این تحقیق اگرچه بر خصلت تداوم نهادی تکیه می شود (Mahoney & Thelen, 2010: 6)، اما به جای توضیح تغییرات با «نقاط عطف» و «عاملیت های ساختار ساز» (Mahoney & Thelen, 2010: 7) تغییرات به صورت تدریجی نمایش داده شده اند تا خواننده متوجه تغییرات در تعادل نیروها، به عنوان یکی از محرک های اصلی تحول یا نبود تحول نهادی شود.

براساس این ایده، که فشار برای تغییر درون خود نهاد نهفته است (Mahoney & Thelen, 2010: 14)، در مدل نهادگرایی تاریخی ماهونی و تیلن، ۱. «مشخصات فضای سیاسی» و ۲. «مشخصات نهادی»، مؤلفه های کلیدی یک تغییر نهادی هستند. این دو مؤلفه هم به نحو مستقیم و هم به نحو غیرمستقیم، ۴. «نوع تغییر نهادی» را رقم می زنند. طرز تأثیر غیرمستقیم این گونه است که این دو مؤلفه مستقیماً بر تعیین ۳. «نوع عامل مسلط بر تغییر» اثر می گذارند، و این عامل نیز مستقیماً بر ۴. «نوع تغییر نهادی» مؤثر است (Mahoney & Thelen, 2010: 15). ما در این مقاله به نوع تغییرات و عامل مسلط در تغییر کمیسیون اصل نودم نمی پردازیم؛ بلکه بر توصیف دو مؤلفه نخست متمرکز هستیم تا این مسئله را حل کنیم که با توجه به برخی تلاش های تقنینی طی دهه گذشته، آیا چشم اندازی برای تغییر نهادی کمیسیون اصل نودم در سال های آینده وجود دارد یا نه؟ به ویژه که قواعد کمیسیون اصل نودم اگرچه طی چندین دهه نسبتاً ثابت بوده اند؛ اما مشخصات فضای سیاسی مدام در حال تغییر بوده است؛ و در نتیجه مشخصات نهادی کمیسیون اصل نودم تغییر کرده است. پس محصور شدن در تحلیل قواعد ممکن است تهی از دقت کافی باشد.

تاکنون در میان تحقیقات حقوقی، تحقیقی که با چنین رویکردی به تحلیل نهادهای اساسی بپردازد، وجود نداشته است؛ اما این بدان معنا نیست که در تحلیل مسئله حاضر، چننه ادبیات حقوقی خالی است؛ چه اینکه ذهنیتی که وضع موجود انفاذ اصل نودم را ناکافی می‌داند منحصر به نمایندگان مجلس نیست. برخی افراد قوانین اجرای اصل نودم را مربوط به دوران جنگ تحمیلی و ناکافی می‌دانند (عنابی و خلیلی شجاعی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۷). یکی از پژوهشگران جوان پیشنهاد استقلال مالی و استقلال سازمانی کمیسیون اصل نودم را مطرح کرده است (زارعی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۴). بعضی از نویسندگان در مقام مقایسه کمیسیون با آئین‌داری، صلاحیت‌های آن را اندک می‌دانند، زیرا نه وظیفه حفاظت از حقوق شهروندی را به عهده دارد، نه میانجی‌گری بین شهروندان با ادارات بر عهده‌اش گذاشته شده است، نه می‌تواند رسیدگی قضایی کند، و نه قادر است پیش‌نویس اصلاحی برای قوانین و آیین‌نامه‌ها پیشنهاد دهد (رضایی‌زاده و عابدی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). اگرچه نویسندگان دقیقی هستند که می‌دانند عملیات کمیسیون بر فهم و افکار عمومی، و در نتیجه بر انتخابات اثرگذار است (راسخ، ۱۳۹۸: ۹۳)، اما تحلیل معمول برخاسته از موضعی است که از ناظر، توقع «تنظیم کار مأمور» را دارد (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۱)، اما توان کمیسیون در حد الزام به پاسخ‌گویی و کسب اطلاعات است (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

برخی نویسندگان پس از آشنایی با آئین‌داری با آئین‌داری ایران برای آن بیابند. گاه به سازمان بازرسی کل کشور و گاهی به کمیسیون متوسل شده‌اند. به‌رغم اینکه نظریه‌هایی هم‌چون «مهاجرت ایده‌های اساسی» چادری که از یادگیری مداوم حقوق‌ورزان کشورهای مختلف از یکدیگر می‌گوید (Choudhry, 2006: 4)، یا «بریکولاژ» تاشنات (با عاریه از لوی اشتراوس) که هر چیز دم دستی را برای حل یک معضل اساسی که از قضا فوریت نیز دارد، به خدمت می‌گیرد (Tushnet, 1999: 1286)، توجهات را به خود جلب کرده‌اند؛ اما نمی‌توان به پیوندهای غیرهم‌نژاد ظنین نبود. همان‌گونه که هر تشبیهی محتاج وجه‌شبه است، هر تطبیقی در درجه اول نیازمند موجه‌سازی وجه‌تطبیق است. بدون چنین چارچوبی ظرافت لازم مطالعه تطبیقی فراهم نمی‌شود، به‌ویژه در زمینه نهادهای اساسی، که عمیقاً تاریخی و چه‌بسا تجویز‌گریزند. به همین خاطر، به نظر می‌رسد پایان‌نامه علی بادامچی از مطالعات بعدی درباره کمیسیون موزون‌تر است (بادامچی، ۱۳۷۵)، صرفاً به این علت که نویسنده دسترسی زیادی به اطلاعات خارجی نداشته است.

با توضیحی که در طرح مسئله و روش تحقیق داده شد، بر خواننده روشن شده است که در مطالعه فعلی، نه قصد انجام مطالعات خارجی (که گاهی به اشتباه مدعای تطبیقی بودن دارند) وجود دارد و نه یک تحلیل دگماتیک دکتربین حقوقی. از آنجا که دغدغه نفوذ اصل نودم هم‌چنان راه خود را در تغییر

قواعد رسمی اجرای این اصل می‌یابد، با تحلیل خود می‌کوشیم بصیرت بیشتری برای دست‌اندرکاران تغییر قواعد فراهم کنیم. به اعتقاد نگارنده، اگر قصدی برای تجویز نهادی نیز وجود دارد، این امر باید متکی به توصیف دقیق باشد. اگرچه دانشکده حقوق توصیف را بسیار کم‌قدر می‌کند،^۱ به نظر می‌رسد باید به توصیف خطر کرد و راه‌های جدیدی در تحلیل مشکلات اساسی پیش نهاد. مطالعه تاریخی مهم است، زیرا هم رویدادهای گذشته بر روند وقایع بعدی تأثیر می‌گذارد (Steinmo, 2008: 127)، و هم انتظارات آینده در کارگاه گذشته قالب‌گیری می‌شوند (Steinmo, 2008: 128). امیدوارم گزارش این تحقیق و توصیف روندهای تاریخی تحول نهادی کمیسیون بتواند خواننده را متوجه این نکته کند که سیاستمداران سابق نیز آگاهی‌ها و لاجرم دغدغه‌های یکسانی با اخلاف خود داشته‌اند و در صورت عدم تغییر شرایط محیطی و بی‌توجهی به تجربیات گذشتگان، سرنوشت قانون‌گذاری جدید جز همان نتیجه سابق نخواهد بود. زیرا نهاد تنها در قواعد رسمی خلاصه نمی‌شود و قواعد غیررسمی نیز از مؤلفه‌های نهاد است (Steinmo, 2008: 124)؛ بنابراین، بقای طولانی مشکلات جلوه‌ای از ناتوانی شارحین دکتربین حقوقی است که بصیرت شناخت مشکلات همیشگی و سپس حل آن‌ها را نیافته‌اند.

مثلاً یک غلط مشهور تقلید اصل نودم از اصل سی‌ودوم سابق است، که آن نیز ترجمه‌ای از ماده بیست‌ویک قانون اساسی بلژیک بوده است (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۵؛ بادامچی، ۱۳۷۵: ۴۰). رجوعی به قانون اساسی وقت بلژیک کافی است تا متوجه تمایزهای عمیق این دو با یکدیگر شویم. بر اساس ترجمه انگلیسی - غیر رسمی - قانون اساسی ۱۸۳۱ بلژیک، جمله نخست اصل بیست‌ویک این بود: «هر فردی حق خطاب عریضه‌هایی را به مقامات عمومی دارد، که توسط یک شخص یا بیشتر امضا شده است.» (Belgium 1831 Constitution n.d.). در این اصل، خبری از ضرورت پاسخ‌گویی که در هر دو نسخه ایرانی وجود دارد، نیست. و از آن مهم‌تر کلیه مقامات عمومی طرف این عریضه‌ها هستند، نه فقط مجلس شورا. این پرسش که مؤسس ایرانی چرا این دو تصرف بنیادین را در ترجمه ماده بیست‌ویک قانون اساسی بلژیک کرده، پرسش مهمی است؛ اما مسئله ما نیست. غرض نشان دادن ضرورت مقاله حاضر به عنوان تحقیقی مبتنی بر روش تحلیل تاریخی از حیات اصل نودم است. بدون توصیف دقیق، پژوهش‌های دکتربینال و تجویزها از دقت کافی برخوردار نخواهند بود.

۱. چنان‌که این مقاله در یکی از مجلات به دلیل اتکا به گزارش آرای سیاستمداران بی‌ارزش خوانده شد. این داوری تنزیل‌دهنده، آمیخته به این بی‌دقتی هم بود، که این مقاله مشروح مذاکرات مجلس را تلخیص کرده است. حال آنکه تلخیص نکرده‌ایم، بلکه روایت کرده‌ایم. این مدعا اگر در ساختار بندهای مقاله ظاهر نیست، از به‌هم‌زدن ترتیب زمانی اظهارات نمایندگان و دسته‌بندی موضوعی آن‌ها قابل دریافت است.

۲. چارچوب نظری حقوقی

برخی از الفاظ به کار رفته در اصل نودم، تبدیل به محور گفت‌وگوها پیرامون جایگاه آن در نظام حقوقی شده‌اند. منازعات پیرامون توسعه یا توقیف اختیارات نهادی اصل نودم نیز در زمین بازی همین الفاظ شکل گرفته‌اند. به همین خاطر با گزارشی از چارچوب نظری حقوقی اصل نودم، بستر تعمق در تاریخ نهادی اصل نودم را فراهم می‌آوریم.

قانون اساسی راجع به سازکار اجرای اصل نودم ساکت است. طبق اصل، مرجع شکایات مجلس است، اما آیین‌نامه داخلی مجلس یکی از کمیسیون‌های خاص مجلس را مسئول این کار کرده است. پس درست است که اعتبار این کمیسیون «عاریه» از اصل نودم خوانده شود (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۴). از نخستین آیین‌نامه داخلی مجلس، کمیسیونی - در ابتدا تخصصی - با عنوان کمیسیون اصل نودم تشکیل شده است. در مجلس شورای ملی - عصر سلطنت مشروطه - نیز کمیسیون عرایض وجود داشت، اما در نخستین نظام‌نامه داخلی آن مجلس، مجلس و نمایندگان، نقش اصلی را در خصوص عرایض داشتند.^۱

اصل نودم موضوع شکایت افراد را «طرز کار مجلس، قوه مجریه یا قوه قضائیه» می‌داند. موسی‌زاده به نقل از راسخ معتقد است که مفهوم طرز کار مندرج در اصل نودم ابهام دارد (راسخ، ۱۳۹۸: ۹۴) و خود می‌افزاید ماده پنج «قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۶۵) نیز این ابهام را رفع نکرده است. درباره این ماده در مبحث مختص به قانون بحث خواهد شد. با این اوصاف پیرامون دلالت «طرز کار»، نویسندگان نظر واحدی ندارند. موسی‌زاده معتقد است مفهوم طرز کار می‌تواند در برابر شکایت‌های جزئی و موردی قرار گیرد (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۴). ایمانی نیز طرز کار را درباره شیوه، نوع، و گونه انجام وظایف هر کدام از قوا می‌داند (ایمانی، ۱۳۸۵: ۱۸۶). رضایی‌زاده و عابدی این عبارت و تکرار آن در ماده پنج را برهانی برای عدم رسیدگی کمیسیون به شکایت‌های موردی می‌دانند (رضایی‌زاده و عابدی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). طلابکی طرقي و عطار مروری مکفی بر ادله شمول طرز کار بر رسیدگی‌های موردی، و نظرات مخالف آن داشته‌اند (طلابکی طرقي و عطار، ۱۳۹۶: ۳۳).

در جمع‌بندی این نظرات باید گفت به نظر مفهوم طرز کار مانع از رسیدگی کمیسیون به شکایت‌های موردی نیست. بهنیا و صادقی با استناد به مفهوم مخالف ذیل اصل نودم استدلال می‌کنند که اگر کمیسیون صلاحیت رسیدگی به شکایات جزئی را ندارد، پس چرا ذیل اصل گفته است نتیجه رسیدگی به شکایات در مواردی که به عموم مربوط می‌شود به اطلاع عموم برسد؟ ایشان از رویه به‌عنوان مؤید استدلال خود بهره برده‌اند (بهنیا و صادقی، ۱۳۹۹: ۴۱۵). اگرچه در نتیجه با ایشان موافقیم، اما به نظر

۱. نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورخ ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری، مصوب مجلس شورای ملی، مواد شصت و ششم لغایت هفتاد و سوم.

استدلال به وجود شکایاتی که کمیسیون نمی‌تواند نتیجه آن‌ها را به اطلاع عموم مردم برساند، استدلالی کافی نیست. وقتی وزیر وقت دادگستری، حسن حبیبی، در مذاکرات تصویب قانون اجرای اصل نودم... توضیح مبسوطی داد که با توجه به امکان رسیدگی‌های موردی توسط دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی، و یا دادگاه‌های عمومی، صلاحیت کمیسیون نمی‌تواند راجع به مسائل موردی باشد^۱، با اخطار قانون اساسی محمد رشیدیان مواجه شد که «طرز کار وارد محتوا می‌شود»^۲، یعنی بدون رسیدگی به اقدامات جزئی نمی‌توان متوجه ایراد دستگاه شد. تحقیقی که به‌تازگی منتشر شده است این مسئله را برجسته کرده است که طرز کار فارغ از کلی یا جزئی بودن، حاوی نوعی ارجاع به یک «روش مستمر» است (محمدی کرجی و جعفرزاده بهاء‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۷۳).

طرز کار قوا، مسئله زمینه قانونی طرح شکایت است، نه بایسته‌ای در نتیجه رسیدگی به شکایت. اگر شکایت فردی و جزئی بر اساس زمینه‌ای مستند به طرز کار قوا طرح شود و پس از رسیدگی مشخص شود عیبی بر طرز کار نیست و منصرف از طرز کار در آن مورد به‌خصوص اجحافی صورت گرفته یا نگرفته است، لزومی برای اعلام این نتیجه به عموم مردم نیست. یا اگر در اثر شکایت، عیب طرز کار بیرون بیفتد، ضرورتی برای اطلاع یافتن عموم از تأثیری که بر فرد شاکی گذاشته است، وجود ندارد. به بیان دیگر، نتیجه رسیدگی کمیسیون تبعیض‌بردار است و ممکن است بخش‌هایی از آن یا کل آن به عموم مربوط نشود؛ اگرچه در شروع رسیدگی، شکایت باید الزاماً مربوط به طرز کار باشد.

کمیسیون اختیار رسیدگی بدون شکایت به تخلفات و سوءعملکردهای نهادهای دولتی را ندارد (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۴). این به معنای ترافعی و تناظری بودن رسیدگی‌ها نیست و نمی‌توان آن را رسیدگی به معنای خاص قضایی و با تشریفات دادرسی قلمداد کرد (ایمانی، ۱۳۸۵: ۱۸۷)؛ اما غیرابتنکاری بودن اختیار کمیسیون سبب می‌شود تا نمایندگان مجلس نتوانند بنا به ترجیح خود از این ابزار بهره‌گیرند.

۳. دوره پیش‌روی آزادانه: ۱۳۵۹-۱۳۶۴

بر اساس دستاوردهای تحقیق، روند تاریخی تغییر قواعد رسمی کمیسیون از ابتدا تا کنون به سه دوره تقسیم شده است. دوره نخست، دوره پیش‌روی آزادانه، دوره دوم، دوره پیش‌روی و مقاومت، و دوره سوم، دوره تعادل نامیده شده است.

دوره نخست حیات کمیسیون اصل نودم با تصویب «قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، (من بعد مشروح) دوره دوم، جلسه ۳۲۱، روزنامه رسمی، شماره ۱۲۱۳۴، ۲۴-

۲۵، ۱۰ مهرماه ۱۳۶۵.

۲. همان، ۲۵.

کمیسیون اصل نود با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم» (از این به بعد قانون ۱۳۵۹) شناخته می‌شود. قانونی که به‌عنوان یک طرح قانونی دوفوریتی تقدیم و تصویب شد. این طرح قانونی را می‌توان حامل نخستین جوانه‌های دغدغه انفاذ برای کمیسیون دانست. در جدول ۱ سیر تحولات متن آن را نشان داده‌ایم.

جدول ۱ تحولات متن قانون ۱۳۵۹ از تقدیم تا اعلان

ش.	متن طرح ^۱	مصوبه مجلس	متن اعلان شده
۱	ماده واحده- کمیسیون اصل نود می‌تواند	همان	همان
۲	با قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارتخانه‌ها، ادارات، و سازمان‌های وابسته به آن‌ها و نیز بنیادها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به‌نحوی از انحاء به یکی از قوای گفته‌شده مربوط هستند.	همان	همان
۳	مستقیماً مکاتبه	مستقیماً مکاتبه یا به آن‌ها مراجعه کنند.	مستقیماً مکاتبه یا به آن‌ها مراجعه کنند.
۴	و برای رسیدگی به ریشه شکایات و رفع مشکلات توضیح بخواهد.	و برای رسیدگی به شکایات مربوط به طرز کار قوای سه‌گانه توضیح بخواهد.	و برای رسیدگی به شکایات کتبی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده به آن‌ها داده نشده است و نیز رفع مشکلات توضیح بخواهد.
۵	و آن‌ها مکلف هستند در اسرع وقت جواب کافی بدهند.	همان	همان
۶	تبصره ۱- در صورت لزوم به‌منظور کسب اطلاعات لازمه و بررسی و تحقیق پیرامون شکایات واصله کمیسیون می‌تواند هیئت یا هیئت‌هایی از نمایندگان یا غیر را به نقاطی که صلاح و لازم می‌داند اعزام کند. مسئولان موظف هستند که هرگونه اطلاعات و مدارکی را که به نظر هیئت در کشف حقیقت مؤثر است در اختیار آنان قرار دهند.	محذوف	محذوف

همان‌گونه که مشخص است، از طرح تا اعلان قانون، تحولاتی در صلاحیت‌های کمیسیون به وجود آمد. در مجموع به اختیارات این کمیسیون افزوده شد، اگرچه نه تا آن گستره‌ای که طراحان پیش نهاده بودند. مهم‌ترین تحول حذف تبصره ۱ ماده واحده بود؛ اقدامی برخلاف روح طرح و البته با هدف باقی

۱. مشروح، دوره اول، جلسه ۹۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۷۵۷، ۲۹، ۸ دی‌ماه ۱۳۵۹.

ماندن کمیسیون در قلمرو اصل نودم. این تبصره دربردارنده دو صلاحیت قدرت‌زا برای کمیسیون بود: نخست اختیار اعزام هیئت به ادارات و امکان تفویض اختیارات کمیسیون به هیئت اعزامی؛ دوم تدارک تکلیف مسئولان به ارائه اطلاعات، برحسب صلاح دید هیئت اعزامی.

چنانچه مراحل تطور این طرح و رسیدن آن به بلوغ قانونی را بنگریم، هدف آن رشد اختیارات کمیسیون بود، که البته نتوانست درباره همه اختیارات پیشنهادی تحصیل موافقت اکثریت کند. با این حال، به رغم حذف برخی از فقرات که می‌توانست برای کمیسیون رشد سازمانی چشم‌گیرتری به ارمغان بیاورد، قدرت کمیسیون افزون شد.

در اردیبهشت ۱۳۶۴، تبصره‌ای به ماده واحده قانون ۱۳۵۹ الحاق شد که در متمم عبارت «اسرع وقت» در ماده واحده، برای پاسخ‌گویی مأموران دولتی به مکاتبات کمیسیون مهلتی یک‌ماهه در نظر گرفت. رسیدگی به این جرم و اجرای مجازات آن به نحوی از مواعد معمول آیین دادرسی کیفری مستثنی شد.^۱ این اصلاحیه نیز به عنوان یک طرح دوفوریتی تقدیم و تصویب شد. این اصلاحیه بدون بحث خاصی راجع به کلیات آن و با چند اصلاح جزئی به تصویب رسید.^۲ آمادگی ذهنی نمایندگان مجلس برای گسترش اقتدار کمیسیون مهم‌ترین استنباطی است که از این وضعیت می‌توان داشت.

در سال ۱۳۶۰، قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور تصویب شد.^۳ در مذاکرات پیشنهاد شد که در صورت درخواست مجلس نیز اقدام به بازرسی کند.^۴ این صلاحیت به کمیسیون تحویل شد تا اصل نودم اختیار مجلس را موجه کند. برخی نمایندگان شائبه مخالفت چنین پیشنهادی را با قانون اساسی داشتند، چرا که سازمان بازرسی کل کشور در قلمرو شورای عالی قضایی قرار داشت، نه مجلس. بنابراین، با تغییری در عبارت کمیسیون صرفاً اختیار «تقاضای بازرسی یافت، نه اختیار «دستور» به بازرسی. آن گونه که در نطق موافق آقامحمدی با پیشنهاد آشکار است، این است که این تقاضا نیز باید ناشی از یک شکایت واصله به کمیسیون باشد.^۵ تصویب این پیشنهاد امکانی اجرایی به کمیسیون داد. چگونگی وضع اختیارات کمیسیون در دوره پیش‌روی آزادانه را در چهار مبحث آتی شرح داده‌ایم.

۱. قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده مصوب ۱۳۵۹.۱۱.۱ مجلس شورای اسلامی راجع به اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل نود با دستگاه‌های دولتی، مورخ ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴، مصوب مجلس شورای اسلامی.

۲. مشروح، دوره دوم، جلسه ۱۲۳، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۷۳۸، ۲۱-۲۴، ۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۴.

۳. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مصوب ۱۹ مهرماه ۱۳۶۰، مجلس شورای اسلامی.

۴. مشروح، دوره اول، جلسه ۲۲۱، روزنامه رسمی، شماره ۱۰۶۷۷، ۲۱، چهارشنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۶۰.

۵. همان، ۲۲.

۱.۳. انگیزه طراحان

دغدغه نفوذ در گفته‌های طراحان و مدافعان طرح به‌روشنی پیداست. ابوالقاسم وافی، مخبر کمیسیون، در توضیح چرایی ابتکار، با ارجاع به تجربه چندماهه مکاتبه با دستگاه‌های مختلف دولتی، مدعی شد که جواب گرفتن صرف نمی‌تواند منجر به «ریشه‌یابی شکایات و رفع گرفتاری» از مردم شود، همان‌طور که کمیسیون عرایض نتوانست؛ چرا که قانونی روی کاغذ بود و فقط جنبه تشریفات داشت.^۱ به عقیده او «صرف این سؤال و جواب دردی را دوا نمی‌کند»، باید به محل رفت، ریشه شکایات را یافت و از مسئولین توضیح خواست.^۲ یعنی «توضیح خواستن برای رفع مشکلات» و تکلیف مسئولین به دادن «جواب کافی» دال محوری قانون سال ۱۳۵۹ بوده است. او به‌صراحت خواست «دست مجلس برای رسیدگی به شکایات و برای ریشه‌یابی شکایات و نیز اجرای آن به‌وسیله مسئولین و خواستن آن از مسئولین باز باشد».^۳ اعضای کمیسیون از این صلاحیت چیزی بیشتر از استحضار می‌خواستند و مایل بودند ابزار پاسخ خواستن را تبدیل به زمینه‌ای برای نفوذ بر مجریه و تسویق آن به‌سمت مواضع مجلس کنند. رضا اصفهانی نیز طرح را باعث محکم‌تر و مسجل‌تر شدن این اختیار مجلس دانست.^۴ البته ابوالقاسم وافی دفاعش را به استدلال رسیدگی به شکایات فارغ از کاغذبازی نیز آراسته بود؛ اما به‌نظر این استدلال مکمل تعلیل اصلی او، یعنی نفوذ بر مجریه بود.

۲.۳. دغدغه سازگاری با قانون اساسی

در مجلس جهات مختلفی برای مخالفت طرح با قانون اساسی مطرح شد. در بررسی فوریت، عبدالکریم شرعی با تذکر اصل صدو هفتاد و سوم، مراد طراحان را خلاف قانون اساسی و وظایف محوله به دیوان عدالت اداری عنوان کرد.^۵ در بررسی کلیات، موحدی ساوجی پرسید قانون اساسی وظیفه شکایت از «طرز کار قوا» را به مجلس سپرده است، آیا کمیسیون می‌تواند وارد شکایات‌های جزئی و فردی شود؟^۶ حسن روحانی نیز در بررسی جزئیات گفت غرض قانون اساسی، رسیدگی به مشکلات ناشی از شیوه اداره امور بوده است.^۷ به عقیده مهدی بازرگان، طبق قانون اساسی زمانی که شکایت مربوط به قوای مجریه و

۱. مشروح، دوره اول، جلسه ۹۰، پیشین، ۲۹.

۲. همان، ۳۰.

۳. مشروح، دوره اول، جلسه ۱۰۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۸۹۴، ۲۱، ۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۹.

۴. همان، ۲۲.

۵. مشروح، دوره اول، جلسه ۹۰، پیشین، ۳۰.

۶. مشروح، دوره اول، جلسه ۱۰۰، ۲۱، پیشین.

۷. همان، ۳۰.

قضایه باشد، اختیار مجلس محدود به خواستن پاسخ کافی است؛ و اصل، صریحاً راه دخالت در کار دیگر قوا را به هر صورتی اعم از بازپرسی، بازرسی، و بازجویی می‌بندد.^۱ محمد مجتهد شبستری نیز معتقد بود اصل نودم باید به نحوی تفسیر و اجرا شود که با «صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص از امور کشور» و «دیوان عدالت اداری» که هر دو از دیگر اصول قانون اساسی هستند خلط نشده و هر کدام در جای خود بنشینند.^۲

در مقابل، حامیان طرح از سازگاری طرح با قانون اساسی دفاع کردند. امید نجف‌آبادی معتقد بود معنای جواب کافی در قانون اساسی چیزی بیش از تحقیق، تفحص و کسب اطلاع است. در سخن او، کلیدواژه‌های «اعمال اصل نودم»، «نظارت مستقیم بر امور اجرایی»، «اختیار برای رفع مشکلات»، و «اکتفا نکردن به کسب اطلاع» پراکنده است.^۳ تا نشان دهد که در میان نمایندگان مجلس فهمی دیگر از قانون اساسی نیز وجود داشته است. هنگام بحث در جزئیات نیز سیدابوالفضل موسوی تبریزی با ارجاع به مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی - که خود عضوی از آن بود- معنای اصل هفتادوششم را «حق مداخله و نظارت» مجلس راجع به کلیه مسائل دانست، پس صرف پاسخ‌گویی ادارات به مجلس را کافی ندانسته و معتقد بود در مقابل رسیدگی‌های کمیسیون باید تکلیف رفع اشکال در ادارات نیز وجود داشته باشد.^۴ برای رفع این اختلاف نظر محمدهادی عبدخدایی استدعای تفسیر قانون اساسی را داشت، اما این درخواست جدی گرفته نشد،^۵ چرا که بازیگران سیاسی اگر قدرت کافی داشته باشند از همان قدرت برای انفاذ تفسیر خود از قانون اساسی بهره می‌گیرند.

۳.۳. نسبت قوا: تعادل یا تصرف؟

برخی نمایندگان با گسترش سازمانی کمیسیون و استفاده از این سازمان برای نفوذ در سایر قوا مخالف بودند. موحدی ساوجی با اشاره به آیین‌نامه و طرز کاری که کمیسیون در میان نمایندگان توزیع کرده است و در آن از ایجاد «سازمان پیگیری و ارزشیابی» سخن گفته بود، این را زمینه ایجاد نظامی درون نظام جمهوری اسلامی دانست، که هم جنبه قضایی و هم جنبه اجرایی دارد.^۶ محسن رهامی معتقد بود سطح مکاتبات کمیسیون باید در حد وزارتخانه و ادارات کل باقی بماند، نه اینکه جزئی‌ترین مسئولیت‌های اجرایی

۱. همان، ۲۲.

۲. همان، ۳۱.

۳. همان، ۲۳-۲۴.

۴. همان، ۲۷.

۵. همان، ۲۴.

۶. همان، ۲۱.

نیز با مداخله این کمیسیون لوذ شود.^۱ به عقیده بازرگان با چنین وظیفه گسترده‌ای که برای کمیسیون دیده شده است، خود نمایندگان فرصت رسیدگی به آن را نداشته و بنابراین افرادی از خارج از مجلس را به کار می‌گیرند و یک دیوان سالاری گسترده با صلاحیت مداخله در جزئی‌ترین امور برای آن ایجاد می‌شود. با ترکیب آن امکان عملیاتی و این اختیار حقوقی، مسئولیت کارمندان دولت در قبال رؤسای خودشان از بین می‌رفت.^۲ ظرافت کنترل قوه مجریه همین است که قوه مجریه در ترازو حفظ شود، اما شیر بی‌بال و دم‌واشکم نشود و همچنان تصمیم‌سازی، اجرا و مسئولیت سیاسی ناشی از آن در مجریه باقی بماند. این مخالفت‌ها راه به جایی نبرد. تلاش برای مسکوت ماندن طرح تا زمان تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری^۳، یا تدوین آیین‌نامه شیوه کار کمیسیون^۴، یا سایر پیشنهادها^۵ اصلاحی هیچ‌یک فرجامی نداشت. تنها چند پیشنهاد مقبول شد. یکی از آن‌ها پیشنهاد رئیس مجلس، هاشمی رفسنجانی بود که پیشنهاد حذف تبصره را داد. به این شکل اختیار کمیسیون برای تشکیل سازمانی گسترده و اعزام هیئت سلب شد و بخشی از دغدغه مخالفین رفع می‌شد. با طرح این پیشنهاد، علی آقامحمدی هم خواست که بعد از کلمه مکاتبه در متن ماده کلمه مراجعه افزوده شود تا کارکرد تبصره، حتی به نحو محدودتری برای کمیسیون باقی بماند. هر دو پیشنهاد تصویب شد.^۶ دیگری نیز پیشنهاد موسی زرگر بود که مسئولیت کمیسیون، محدود به شکایاتی شود که «از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده... یا جواب قانع‌کننده‌ای داده نشده است».^۷

۴.۳. مسئله ریشه مشکلات

در طرح پیشنهادی، هدف «رسیدگی به ریشه شکایات و رفع مشکلات» برای کمیسیون وضع شده بود. کلمه ریشه در مذاکرات حذف نشد، اما در متن ابلاغی قانون به رئیس جمهوری وجود نداشت.^۸ در نتیجه

۱. همان، ۲۲.

۲. همان، ۲۳.

۳. همان، ۲۵.

۴. همان، ۲۷-۲۹، و ۳۲-۳۳.

۵. همان، ۲۵-۲۶.

۶. همان، ۳۰.

۷. نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهوری اسلامی، مورخ ۲ بهمن ۱۳۵۹، شماره ۴۰۰/ق، تاریخ دسترسی ۱۸ آذر ۱۴۰۱، نشانی:

<http://nazarat.shora->

rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=YMkVdBOakk=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3mxNvtpCLep2dxbPdNDkZ5RA=&NF=bHiIRfspeW0=

قلمرو امکان رسیدگی کمیسیون به مراجعات مردمی گسترش یافت. نکته قابل توجه این است که در قرائت نهایی ماده واحده در صحن نیز کلمه «ریشه» افتاده بود، اما در آنجا عبارت «طرز کار قوا» به شکایات افزوده شده بود. عبارتی که در متن اصل نودم نیز هست و در جریان مذاکرات نیز پیشنهاد شد،^۱ اما تصویب نشد.^۲ در عین این گسترش قلمرو صلاحیت کمیسیون، دو قید برای رسیدگی به شکایات شهروندان افزوده شد، اولاً این قید تشریفاتی که شکایت باید کتبی باشد، ثانیاً این قید ماهوی که سایر شیوه‌های شکایت مؤثر نبوده باشد. این قیود می‌توانست متقابلاً گستره صلاحیت کمیسیون را تحدید کند.

مخبر کمیسیون، معتقد بود اگر کمیسیون تنها شکایات مربوط به طرز کار را بپذیرد، از کجا می‌تواند شکایاتی را بررسی کند که در واقع منشأ آن‌ها طرز کار قواست؟^۳ این ایراد درستی بود، اگرچه طرح فی‌نفسه به این حدود پایبند نبود، اما در پی ایجاد ابزار فشاری بر قوه مجریه برای رفع مشکلات شاکیان بود. با این حال، متن نهایی در حالی در مجلس برای رأی‌گیری خوانده شد که کلمه «ریشه» از قبل شکایات حذف شده و عبارت «طرز کار قوا» پس از آن آمده بود. سپس، مصوبه به‌نحوی ابلاغ شد که طرز کار قوا نیز از آن حذف شده بود، اما «ریشه» به جای خود برگشته بود.

اگرچه وجود کلمه ریشه می‌توانست از کمیسیون نهادی بسازد که نگاهی هنجاری به شکایات واصله داشته باشد و متکرر تغییر قوانین شکایت‌خیز و کژکارکردی دستگاه‌ها شود، اما حذف آن - که نمی‌دانیم سهوالقلم یا سوءاستفاده از اختیارات اداری بوده است - با روح قانون تازه‌مصوب که قصدش ایجاد نفوذ بر مجریه و دخالت در کار آن بود، سازگاری بیشتری داشت.

از بررسی دوره اول پیدا است که: ۱. فضای سیاسی برای تغییرات نهادی اصل نودم و ایجاد کمیسیون کاملاً مهیاست؛ و در همین دوره از طریق گسترش اختیارات کمیسیون، ۲. مشخصات نهادی یعنی قواعد حاکم بر عمل کمیسیون نیز تغییر و گسترش می‌یابند. در نتیجه در این دوره شاهد تغییر نهادی کمیسیون به نفع دغدغه نفوذ بوده‌ایم.

۱. مشروح، دوره اول، جلسه ۱۰۰، ۳۰، پیشین.

۲. به‌رغم این مخالفت، در قرائت نهایی متن قانون، مجدداً این قید آمده بود. این اقدامی خلاف آیین‌نامه داخلی بود اما رأی موافق نمایندگان باعث شد در مصوبه گنجانده شود. با این حال، زمانی که متن قانون اعلان شد، اثری از این قید «مربوط به طرز کار...» نبود. اعلان قانون بر خلاف مصوبه نهایی مجلس نیز خلاف آیین‌نامه داخلی بود، اما این دو خلاف متناقض در یک موضوع، سبب شد صورت نهایی قانون بر اساس صورت حقیقی باشد!

۳. همان، ۳۱.

۴. دوره مقاومت و پیش روی محدود: ۱۳۶۴-۱۳۶۶

در ۲۵ آبان ۱۳۶۵، قانون دیگری از تصویب مجلس دوم گذشت: «قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» (از این به بعد قانون ۱۳۶۵). قانون ۱۳۵۹، اختیارات ناشی از تبصره الحاقی مجلس دوم به آن، و قانون سازمان بازرسی کل کشور به نظر نمایندگان هم‌چنان ناکافی می‌رسید. این قانون نه ماده و دو فصل داشت. تأسیس یک تشکیلات مستقل اداری برای کمیسیون (ماده ۱)، اختیار دعوت مسئولین به کمیسیون و رسیدگی تناظری به شکایات (ماده ۲)، اختیار اعزام بازرس از میان نمایندگان و غیر آن‌ها (ماده ۳)، جرم‌انگاری پاسخ خلاف واقع مسئولین به کمیسیون (ماده ۷)، منحصر شدن اختیار کمیسیون به رسیدگی به شکایات از طرز و شیوه کار مجلس و دو قوه دیگر (ماده ۵)، تکلیف رسانه‌های عمومی به انتشار بدون تغییر گزارش‌های قرائت‌شده کمیسیون در مجلس (ماده ۸)، و از همه مهم‌تر تأسیس یک صلاحیت تعقیبی برای کمیسیون (تبصره ماده ۵) مفاد این قانون هستند؛ این قانون تاکنون اصلاح نشده است.

طرح قانونی با بیست ماده تقدیم شد^۱؛ اما کمیسیون قضایی و حقوقی بسیاری از مواد را تکرار مفاد آیین‌نامه داخلی مجلس دانست و حذف کرد.^۲ در برخی حذفیات فصل دوم، صلاحیت‌های جدیدی برای کمیسیون اصل نودم شمرده شده بود که آن را تبدیل به محکمه‌ای درون مجلس می‌کرد. اسماعیل شوشتری، مخبر کمیسیون قضایی، در خاتمه بحث در کلیات تصریح کرد، غرض قانون اساسی آن نبوده که کمیسیون یک رسیدگی قضایی انجام داده و نتیجه رسیدگی آن هم‌چون احکام قضایی اجرا شود.^۳ سیدمحمد اصغری، دیگر عضو کمیسیون قضایی نیز مواردی مثل الزام مطبوعات به انعکاس بی‌کم‌وکاست گزارش‌های کمیسیون را خلاف اصل آزادی مطبوعات و قانون اساسی خواند.^۴

۱. طرح اجرای اصل نودم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، سال دوم، شماره ترتیب چاپ: ۸۷۸، شماره دفتر ثبت: ۳۰۳، مورخ ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۶۴، تاریخ دسترسی ۷ دی‌ماه ۱۴۰۱، نشانی دسترسی:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=3iwiIrVp78c=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m9d5XYGi044i6e4f+1NCQCI=&NF=bHiIRfspeW0=>

۲. مشروح، دوره دوم، جلسه ۲۲۲، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۹۳۲، ۲۴، ۱ بهمن‌ماه ۱۳۶۴.

۳. همان، ۳۱.

۴. همان، ۲۹-۳۰.

جدول ۲ مهم‌ترین تغییرات طرح

شماره ماده در طرح	خلاصه ماده	تغییر در قانون مصوب
۱۰	تکلیف دادگاه صالح به رسیدگی فوری و خارج از نوبت به تخلفات احرار شده توسط کمیسیون و تعیین مجازات مقرر در تبصره الحاقی به قانون ۱۳۵۹ بدون بررسی ماهوی	رسیدگی خارج از نوبت دادگاه به تخلفات احرار شده در کمیسیون (تبصره ماده ۵)
۱۲	جرم‌انگاری (به تعبیر طرح تخلف) تأخیر در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در مرجع قضایی و شمول مجازات تبصره الحاقی به قانون ۱۳۵۹ بر آن	حذف شد.
۱۳	صلاحیت کمیسیون برای واداشتن دادگاه به آغاز به رسیدگی به جرم مذکور در ماده ۱۲	حذف شد.
۱۴	تشکیل دادگاه ویژه برای رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌های ارجاعی توسط کمیسیون	حذف شد.
۱۵	امکان طرح شکایت در کمیسیون در صورت عدم حصول نتیجه یا پاسخ قانع‌کننده در مراجع قضایی	حذف شد.
۱۶	صلاحیت کمیسیون در رسیدگی به شکایات بی‌پاسخ‌مانده توسط مقامات مسئول علاوه بر موارد مصرح در اصل نودم	حذف شد.
۱۷	تنظیم طرح قانونی برای رسیدگی به شکایات محتاج اصلاح نظم قانونی	حذف شد.
۱۸	امکان بررسی و مطالعه کلیه اسناد و سوابق موجود در ادارات وابسته به قوای سه‌گانه در موارد ضروری	حذف شد.
۲۰	وظیفه مراجع قضایی برای تجدید نظر فوری و خارج از نوبت در پرونده‌های محتاج تجدید نظر به تشخیص کمیسیون	حذف شد.

سیدمحمد کیاوش (علوی تبار) حتی پس از اصلاحات کمیسیون قضایی نیز به مخالفت با کلیات طرح پرداخت. به عقیده وی، کمیسیون با قانون ۱۳۵۹ و تبصره آن به اندازه کافی اقتدار کسب کرده بود. او با یادآوری اختیاراتی نظیر سؤال و استیضاح، تقلای مجلس برای کسب قدرت بیشتر را مذمت کرد. به نظر او، مستنبط از مذاق شورای نگهبان در مخالفت با تشکیل کمیسیون تحقیق و تفحص، آن است که اختیار اصل نودم از آن مجلس است نه یک کمیسیون آن.^۱ او ایده طراحان را «فعالیت قضایی کمیسیون» و تبدیل کردن همه قوای دادگستری به اصل نودم خواند.^۲ نویسندگانی بعدها همین استدلال را تکرار کرد

۱. همان، ۲۷.

۲. همان، ۲۶.

که طلب کارکرد قضایی از اصل نودم مغایر اصل تفکیک قوا و عدم تداخل وظایف است (زارعی، ۱۳۹۳: ۶۹). اصغری نیز اختیارات کمیسیون برای مجازات قاضی یا اختیار تصمیم‌گیری قضایی آن را دخالت مقننه در کار قضایی دانست و از حذف آن‌ها در کمیسیون قضایی دفاع کرد.^۱

در بررسی شور دوم نیز، جزئیات طرح پیشنهادی به دلیل مغایرت با قانون اساسی، مورد ایراد قرار گرفت. صادق خلخالی به درستی ثبوت جرم عدم پاسخگویی توسط کمیسیون را مداخله در صلاحیت‌های اساسی دادگستری دانست.^۲ جرم پیشنهادی اعتراض نماینده دولت، عطاء... مهاجرانی را نیز برانگیخت. او یادآور شد که عدم حضور مسئولین اجرایی به دلیل پیشامدهای غیرمترقبه امری دور از ذهن نیست. سپس یادآوری کرد که اولاً وزرا مورد اعتماد مجلس هستند و ثانیاً از طریق ابزارهای کنترل سیاسی مثل سؤال و استیضاح در اختیار مجلس قرار دارند.^۳ گفته اخیر مهاجرانی حاوی یک نکته کلیدی است: مناسبات مجلس و وزرا در سطح اساسی تعریف شده و بخشی از تعادل مملکت است؛ تغییر آن و ایجاد گیره‌هایی برای چسباندن بیشتر وزرا به مجلس، می‌تواند منجر به اختلال در این تعادل اساسی شود؛ و اگر مجلس برای رفع اختلاف با وزیر، به جرم‌انگاری متوسل می‌شود، احراز وقوع جرم باید به نهاد صالح قضاوت سپرده شود تا بدون سوگیری آن را بررسی کند.

پر واضح است که در دوره دوم، «۱. مشخصات فضای سیاسی» به ضرر اصل نودم و انفاذ اراده مجلس از طریق آن تغییر کرده است. اگرچه این تغییر چنان شدید نیست که بتواند جلوی تغییر کامل «۲. مشخصات نهادی» یعنی قواعد رسمی عمل کمیسیون را بگیرد؛ اما در جایی که بازیگران درون مجلس در اقلیت قرار می‌گیرند، قانون اساسی از طریق شورای نگهبان، مقاومتی را خلق می‌کند. در این دوره پیش‌روی نهادی اصل نودم صورت می‌گیرد، اما به خاطر مقاومت‌های رخ داده این پیش‌روی محدود است و نشانه‌های ظهور فضای سیاسی جدید قابل رؤیت است.

۵. دوره تعادل: ۱۳۶۶ تا کنون

۵.۱. تعادلی جدید پیرامون اختیارات کمیسیون اصل نودم

در جریان تصویب قانون ۱۳۶۵، اکثر نمایندگان هم‌چنان بر توسعه اختیارات قضایی کمیسیون اصرار داشتند. محمدعلی هادی پیشنهادهای اصلاحی متعدد برای ماده دوم را حاکی از نظر نمایندگان دانست که احراز وقوع جرم توسط کمیسیون و نه دادگاه را مغایر قانون اساسی تلقی می‌کنند.^۴ کیاوش نیز در

۱. همان، ۲۹-۳۰.

۲. مشروح، دوره دوم، جلسه ۳۱۹، روزنامه رسمی، شماره ۱۲۱۲۵، ۳۳، ۸ مهرماه ۱۳۶۵.

۳. همان، ۳۴.

۴. مشروح، دوره دوم، جلسه ۳۲۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۲۱۳۱، ۲۱، ۱۰ مهرماه ۱۳۶۵.

مخالفت با ماده دو، کل طرح پیشنهادی را محوکننده یکایک اصول قانون اساسی دانست.^۱ نماینده وقت دولت، مهاجرانی، نیز گفت این اختیارات کمیسیون را تبدیل به قوه چهارم می‌کند.^۲ در برابر این مخالفت‌ها، حقیقت نظر مجلس را موحدی ساوجی بیان کرد، به گفته او، پیشنهادهای مختلف برای اصلاح ماده دو رأی نیاورده‌اند.^۳ یعنی اکثریت مجلس، با این توسعه اختیارات همراهی می‌کرد و اقلیت، مخالف آن بود. با وجود اینکه، وقتی کیاوش ایراد تضاعف قدرت مجلس را طرح کرد، موافقین طرح از همین نکته حمایت کردند. علی پناهنده گفت: «مجلس یعنی مردم، مگر می‌خواهید قدرتش کم باشد. مجلس یعنی تمام مردم و هر چه بیشتر باشد قدرتش، تازه به حق است و سزاوار است». ^۴ سیدمحمد خامنه‌ای نیز با تأکید بر ضرورت قدرت داشتن این کمیسیون، این را قدرت مجلس خواند، نه یک کمیسیون خاص، وانگهی «مجلس آن نظارت عالی و آن رأس بودنش را ندارد و هر که هم توانسته یک‌تکه‌ای از این را بریده و گذاشته کنار».^۵

اما تمایل اکثریت ابعاد دیگری نیز داشت. ماده پنج قانون ۱۳۶۵ در طرح وجود نداشت. اسماعیل شوشتری این پیشنهاد را نخست به کمیسیون قضایی برده بود و در آنجا شکست خورد، پس به مجلس پیشنهاد کرد: «کمیسیون صرفاً به شکایتی که از روش و طرز کار مجلس یا قوای مجریه و قضائیه باشد رسیدگی می‌نماید و در مورد تظلمات و تعدیات حل و فصل دعاوی و رفع خصومات که مرجع رسمی آن دادگستری است، در صورتی رسیدگی می‌کند که از طرف محاکم مربوطه بدون جواب مانده و یا رسیدگی صحیح انجام نگرفته باشد».^۶ این پیشنهاد نتیجه این عقیده بود که طبق قانون اساسی، دادگستری مرجع انحصاری رسیدگی به تظلمات است.^۷ در این اثنا موضع سیدابوالفضل موسوی تبریزی تأمل‌برانگیز است؛ او (در واکنش به مخالفت سیدرضا زواره‌ای با ماده پیشنهادی) ایجاد شأن قضایی برای مجلس را خلاف تفکیک قوا و دلالت عبارت «طرز کار» در مذاکرات قانون اساسی خواند.^۸ مقایسه این موضع موسوی تبریزی با موضع شش سال قبل وی (که در مبحث ۰ ذکر شد)، نشانه‌ای از تحول کیفی اقتدار کمیسیون در تعادل درونی مجلس است: نمایندگان تا حدی با افزایش اختیارات کمیسیون همراهی کردند. این

۱. همان، ۲۲.

۲. همان، ۲۳.

۳. همان، ۲۱-۲۲.

۴. مشروح، دوره دوم، جلسه ۲۲۲، ۲۷، پیشین.

۵. همان، ۲۹.

۶. مشروح، دوره دوم، جلسه ۳۲۱، روزنامه رسمی، شماره ۱۲۱۳۴، ص. ۲۴، ۱۰ مهرماه ۱۳۶۵.

۷. همان.

۸. همان.

پیشنهاد تصویب شد؛ اما به نظر شورای نگهبان، موهم این معنا بود که کمیسیون کار قضایی انجام می‌دهد.^۱ در نتیجه در بازنگری مصوبه جمله انتهایی ماده پیشنهادی (از «و در مورد...») حذف شد.

ماده ده طرح پیشنهادی که دادگاه را تبدیل به ماشین امضای کمیسیون در تعیین مجازات می‌کرد نیز هنگام بررسی در صحن علنی مجلس تعدیل شد و پس از ایراد شورای نگهبان به صورت تبصره ماده پنج کنونی درآمد. تبصره‌ای که با همین صورت فعلی نیز صلاحیت بزرگی در اختیار کمیسیون قرار داده و بر خلاف بند چهار اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی آن را تبدیل به مقام تعقیب کرده است، که نتیجه رسیدگی‌هایش می‌تواند در دادگاه مورد بررسی قرار گیرد. یکی از نویسندگان طرفدار توسعه اختیارات کمیسیون، در کنار گزارش همه صلاحیت‌هایی اعطایی قانون ۱۳۶۵ به کمیسیون (موسی‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۷۷-۱۷۴)، از این صلاحیت بزرگ، یعنی امکان ایستادن کمیسیون به جای مرجع تعقیب و ارجاع مستقیم پرونده‌ها به دادگاه، چشم پوشیده است.

وزیر دادگستری و نمایندگان مخالف این ماده، معتقد بودند که این اختیار ماهیت کمیسیون را قضایی کرده و مداخله‌ای در صلاحیت‌های اساسی دادگستری است؛^۲ با این حال، مخبر کمیسیون قضایی چنین صلاحیتی را صرفاً تقاضای کیفر و مشابه صدور کیفرخواست یا شکایت خصوصی دانست که بدون رسیدگی دادگاه منجر به محکومیت نمی‌شود؛^۳ اما قانون اساسی صلاحیت تعقیب را نیز به قوه قضاییه داده است و به استناد همین صلاحیت است که در ایران دادسرا بخشی از قوه مجریه نیست. از قضا این ماده نیز به دلیل مغایرت با قانون اساسی مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت؛^۴ مجلس برای رفع مشکل، فقط عبارت «تقاضای مجازات» را حذف کرد و به جای آن «رسیدگی خارج از نوبت» را گنجاند. ولی طبق ظاهر، کمیسیون هم‌چنان می‌تواند پرونده‌ای را بدون نیاز به طرح در دادسرا به دادگاه ارجاع دهد.

قانون ۱۳۶۵ با مرتفع کردن ایرادات شورای نگهبان به تصویب رسید؛ اما معلوم شد که بر خلاف قانون

۱. نامه شورای نگهبان خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۸۸۱، مورخ ۲۳ مهر ۱۳۶۵، تاریخ دسترسی: ۱۷ اسفند ۱۴۰۱، نشانی:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=aKSmFiY1HKo=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1c saqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

۲. مشروح، دوره دوم، جلسه ۳۲۱، ۲۶-۲۷، پیشین.

۳. همان، ۲۸.

۴. نامه شورای نگهبان خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۸۸۱، مورخ ۲۳ مهر ۱۳۶۵، تاریخ دسترسی: ۱۷ اسفند ۱۴۰۱، نشانی:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=aKSmFiY1HKo=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1c saqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

۱۳۵۹، از مسیر ساده‌ای به مقام نفوذ نرسید. پس از آن، آخرین حلقه از هفت سال تلاش مستمر برای پیش‌روی نهادی کمیسیون، در اجلاسیه چهارم مجلس دوم رقم خورد که به تصویب یک ماده واحده آیین‌نامه‌ای انجامید. این ماده واحده برای گزارش‌های کمیسیون، امکان قرائت بدون نوبت در صحن علنی مجلس را فراهم کرده است.^۱ این آخرین تقلاً پیش از سیطره کامل فضای سیاسی جدید بود. از این پس تعادلی راجع به جایگاه نهادی کمیسیون حاکم شد که تغییری اساسی در مختصات فضای سیاسی بوده است.

۶. استمرار دغدغه نفوذ

در نخستین اجلاسیه مجلس پنجم، قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاح، و این سازمان مکلف به اعلام نتایج بازرسی‌های ارجاعی از کمیسیون شد.^۲ در این سال‌ها دغدغه نفوذ از میان نرفته بود، اما گویا شأن کمیسیون در میان نمایندگان نزول کرده بود. جمیله کدیور معتقد است دوره سوم مجلس دوره ضعف و افول کمیسیون بود، هم کمترین تعداد اعضا را داشت و هم در رسیدگی به شکایت آمار ضعیفی را ثبت کرد. در دوره چهارم و پنجم با ادغام کمیسیون اصل نودم و اصل هشتادوهشتم، کارکرد اصل نودم در برابر کارکرد اصل هشتادوهشتم و پرسش‌های نمایندگان از وزرا عقب‌نشینی کرد (کدیور، ۱۳۸۳: ۴۶۹-۴۷۰). به‌رغم دشواری به نصاب رسیدن کمیسیون در مجلس ششم، کدیور به‌عنوان یکی از اعضا از عملکرد آن و احیای دوباره کمیسیون در این دوره راضی است (کدیور، ۱۳۸۳: ۹۰۶).

به نظر آنچه تغییر کرده بود، موازنه نیروها چه در درون مجلس و چه در بیرون مجلس بوده است. بی‌رغبتی نمایندگان به حضور در کمیسیون - به دلایلی که کدیور برشمرده است، (کدیور، ۱۳۸۳: ۱۳۴۷-۱۳۴۸) یا هر دلیل دیگری - از علل تغییر موازنه نیروها درون مجلس بوده است. به عبارت دیگر، نمایندگان ترجیح می‌دادند فایده نفوذ را از راه‌های کم‌هزینه‌تری تأمین کنند. نزول شأن کمیسیون در مجلس منجر به اصلاح ساختار کمیسیون شد. اگرچه طرح پیشنهادی اعلامی^۳ برای تشکیل کمیسیون به‌عنوان کمیسیونی متشکل از نمایندگان کمیته فرعی اصل نود سایر کمیسیون‌های تخصصی در سال ۱۳۷۹ به تصویب نرسید؛ اما سرانجام و در سال ۱۳۸۷ این تغییر ساختاری اعمال شد و نوع کمیسیون از تخصصی به خاص تبدیل شد، که هشت عضو ثابت به انتخاب هیئت‌رئیس و رؤسای شعب دارد و از هر کمیسیون تخصصی یک نماینده عضو آن است.^۴

۱. قانون نحوه گزارش کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، مورخ ۳ آذر ۱۳۶۶، مصوب مجلس شورای اسلامی.

۲. قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و الحاق یک ماده و یک تبصره به آن مصوب ۱۳۶۰.۷.۱۹ و اصلاح تبصره ۳ ماده ۳ قانون مقررات استخدامی و اداری سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۳.۲.۱۱.

مصوب ۷ مرداد ۱۳۷۵، مجلس شورای اسلامی، ماده ۲.

۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره ششم، جلسه ۱۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۶۱۲۹، ۱۲ تیر ماه ۱۳۷۹، ۱۵.

۴. قانون اصلاح موادی از قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مصوب ۲۶ آذر ۱۳۸۷، مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۲.

در قیاس با روند توسعه‌ای کمیسیون در دهه ۱۳۶۰، در دست کم دو دهه بعدی، روند نفوذ مجلس به‌طور عام و کمیسیون به‌طور خاص در امور اجرایی و قضایی کاستی گرفت. اولاً شورای نگهبان اصل نودم را کرانه مداخله مجلس در امور اجرایی فرض کرد. یک نمونه «طرح ایجاد دفاتر ارتباط مردم با نمایندگان مجلس شورای اسلامی» بود. طبق مصوبه، مسئول دفتر ارتباط نماینده با مردم صلاحیت شرکت به‌عنوان مدعو در کلیه شوراهای اداری سطح شهرستان و بخش را می‌یافت، و دستگاه‌های اجرایی و قضایی نیز مکلف به اقدام یا پاسخ‌گویی قانع‌کننده ظرف یک‌ماه پس از ارجاع وی می‌شدند.^۱ شورای نگهبان موارد نظارت و مداخله مجلس در امور اجرایی را منحصر به موارد مصرح در قانون اساسی، از جمله اصل نودم خواند.^۲ اصلاح آیین‌نامه داخلی^۳ که مجلس را شاکی جرایم کشف‌شده در تحقیق و تفحص می‌کرد، نیز مغایر با اصل نودم خوانده شد.^۴ نمونه‌هایی که نشان می‌دهند نفوذ مجلس بر سایر نهادها کنترل شده و اصل نودم که ابزار مجلس برای اعمال نفوذ در اداره مملکت بود، در دست شورای نگهبان تبدیل به ابزاری برای مقابله با انفاذ اراده مجلس شد.

شورای نگهبان به بقای کمیسیون در مرزهای «استطلاع» و جلوگیری از تبدیل آن به ابزار انفاذ نیز حساس شد. تبصره ۱۳ ماده واحده بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور دولت را مجاز به واگذاری برخی خودروها و ماشین‌آلات می‌کرد. طبق بند ل تبصره، چند کمیسیون مجلس از جمله این کمیسیون^۵ می‌توانستند بر حسن اجرای این تبصره و نظارت به تخلفات مسئولین و ذی‌حسابان دستگاه‌ها، رسیدگی و

۱. نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان، مورخ ۲۳ شهریور ۱۳۶۸، شماره ۱۰۴۶-ق، تاریخ دسترسی ۱ فروردین ۱۴۰۲، نشانی:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=71eYiiqTIEE=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&NF=bHiIRfspeW0=>

۲. نامه قائم مقام دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۸، شماره ۹۴۸، تاریخ دسترسی ۱ فروردین ۱۴۰۱، نشانی:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=QRmnKtvrknk=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

۳. نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به دبیر شورای نگهبان، مورخ ۹ آبان ۱۳۹۰، شماره ۱/۴۹۴۶۱، ماده ۲۱، نشانی:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=DhcWnv7sDfo=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&NF=bHiIRfspeW0=>

۴. نامه قائم مقام دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۲۶ آبان ۱۳۹۰، شماره ۹۰/۳۰/۴۴۵۱۴، نشانی:

<http://nazarat.shorarc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=L1OJ3gHJE1Q=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

۵. در آن زمان، نام این کمیسیون به کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ تغییر کرده بود.

در صورت تأیید تخلف، متخلف را برای صدور حکم مجازات به دادگاه صالح معرفی کنند.^۱ با مخالفت شورای نگهبان^۲، مجلس به اختیار نظارت و گزارش‌گیری از روند اجرای تبصره ۱۳ اکتفا کرد.^۳ شاید اوج این مقابله را در بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور بتوان دید که شورای نگهبان گزارش‌گیری این کمیسیون از بانک مرکزی (بند ۳ تبصره ۳) را نیز مغایر اصل نودم دانست،^۴ اگرچه گزارش‌گیری کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه مشکلی نداشت.^۵ اتفاق مشابهی در بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور رخ داد.^۶ تصمیمات شورای نگهبان هم خلاف سابقه بود و هم بی‌مبنا. چه اینکه در اصل نودم ذکر از تشکیل یک کمیسیون نیامده است. تشکیل کمیسیون‌ها تصمیمی آیین‌نامه‌ای است، پس اگر یک کمیسیون مجلس صلاحیتی برای دریافت چنین گزارشی داشته باشد، چرا دیگر کمیسیون‌ها نداشته باشند؟ اگر چنین استدلال شود که این گزارش‌گیری خارج از حدود اصل نودم قانون اساسی است، اولاً باید پرسیده شود چرا پیش از آن و پس از آن عین همین اختیار، خلاف قانون اساسی دانسته نشد؛ و ثانیاً و از آن مهم‌تر، آیا کیفیت نام‌گذاری کمیسیون‌ها می‌تواند محدوده‌ای برای صلاحیت ایشان تعیین کند؟ وقتی که منطق صلاحیت اساسی همه کمیسیون‌ها واحد است، دشوار بتوان از این قضیه مبنایی برای خروج از صلاحیت اساسی یافت. این نشان می‌دهد آن‌گاه که موقعیت کمیسیون در معادلات داخلی مجلس احیا شد، نیروهای بیرونی اجازه حد بیشتری از توسعه این اختیارات را ندادند. طرفه آنکه، بعداً و در قانون

۱. نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان، مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۷۲، شماره ۲۵۰۰-ق، تاریخ دسترسی ۱ فروردین ۱۴۰۲ به نشانی:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=W3y4gTd/XeQ=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&NF=bHiIRfspeW0=>

۲. نامه دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۷۲، شماره ۵۹۹۹-ه، تاریخ دسترسی ۱ فروردین ۱۴۰۲ به نشانی:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=Sf4yPzGwNwE=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

۳. قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور، ماده واحده، تبصره ۱۳، بند ل، مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۷۲، مجلس شورای اسلامی.

۴. نامه دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۳ بهمن ۱۳۷۹، شماره ۱۷۱۳/۲۱/۷۹ به نشانی:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=cq11jYN1ktE=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

۵. قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور، مصوب ۲۶ بهمن ۱۳۷۹، مجلس شورای اسلامی، ماده واحده، تبصره ۳، بند ز.

۶. نامه دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۰، شماره ۸۰/۳۴۳۴/۲۱، نشانی:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=loki8T+srR8=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>

برنامه پنجم توسعه^۱ (۱۳۸۹)، و دو بودجه سالانه کل کشور (۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) همین اختیار برای کمیسیون مجدداً مجاز شد.

روال در دهه ۱۳۹۰ اندکی تغییر کرد. عضویت یکی از اعضای کمیسیون در هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان^۴ و رئیس آن در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم^۵ نمونه‌ای از این تغییر رویه است. اختیار اخیر تصمیم مجلس نبود؛ شورای نگهبان به کلی تشکیل این شورا را خلاف قانون اساسی دانست^۶ و مجمع تشخیص مصلحت نظام این امتیاز را به رئیس کمیسیون داد؛ اما مخالفت شورای نگهبان با تأسیس دیوان اصل نودم در اصلاحات آیین‌نامه داخلی مجلس در سال ۱۳۹۶ که چیزی بیش از یک طرح نام نبود و تصویب اساسنامه را به بعد موکول کرده بود^۷، نشان می‌دهد در ترتیبات کنونی، کمیسیون برای رشد بیشتر با مانع فضای سیاسی روبه‌رو است. این مانع نشان می‌دهد چگونه یک نهاد به حداکثر رشد خود رسیده و توضیح‌دهنده تغییر موضع فردی است که در مقام نماینده مجلس دوم از توسعه اختیارات کمیسیون دفاع می‌کرد و در مقام رئیس قوه قضاییه خواهان محدودیت قلمرو ماهوی و شکلی عمل کمیسیون در دستگاه ذیربط خود بود (کدیور، ۱۳۸۳: ۸۶۳-۸۶۶). اینک شاید برای کمیسیون تنها شراکت در شوراها و هیئت‌های تصمیم‌گیر نظیر شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی^۹ برای انفاذ اراده ممکن باشد، اما تغییر اساسی

۱. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، مصوب ۱۵ دی ۱۳۸۹، مجلس شورای اسلامی، ماده ۶۲.
۲. قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور، مصوب ۲۹ اسفند ۱۴۰۱، مجلس شورای اسلامی، جزء ۲ بند تبصره ۱۶ ماده واحده.
۳. قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور، مصوب ۶ فروردین ۱۴۰۲، مجلس شورای اسلامی، جزء ۲ بند تبصره ۱۶ ماده واحده.
۴. قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان، مصوب ۱۵ فروردین ۱۳۹۱، مجلس شورای اسلامی، ماده ۱.
۵. قانون پیشگیری از وقوع جرم، مصوب ۲۱ شهریور ۱۳۹۴، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۲.
۶. نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به دبیر شورای نگهبان، مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۷۴۲۵/۴۵، نشانی: <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=aoWko+fBR/g=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&MN=csaqpt/F9Oo=&id=aoWko%20fBR/g=&tablename02=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>
۷. نامه قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۲ خرداد ۱۳۸۸، شماره ۳۲۶۶۲/۳۰/۸۸، نشانی: <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=tUPVVxr/8nI=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&MN=csaqpt/F9Oo=&id=aoWko%20fBR/g=&tablename02=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>
۸. نامه قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی، مورخ ۵ اردیبهشت ۱۳۹۷، شماره ۹۷/۱۰۲/۴۹۷۷، نشانی: <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=rkIGHcyeyuo=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo=&NF=bHiIRfspeW0=>
۹. قانون دائمی کردن قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مصوب ۱۸ بهمن ۱۳۹۹، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۲۸.

تشکیلات کمیسیون به منظور گسترش اختیارات بدون یک تغییر اساسی در موازنه قدرت متوقع نخواهد بود. تعادل حاکم ناشی از «۱. مشخصات فضای سیاسی» است که هم جلو تغییر قواعد غیررسمی کمیسیون و نقش آفرینی بیش از اندازه آن در کشور را گرفته است و هم در برابر تغییرات زیاد قواعد رسمی مقاومت کرده است. فضای سیاسی کنونی تنها تغییر بسیار اندک در قواعد رسمی را مجاز می‌کند، که دشوار بتوان این تغییرات را حاکی از تغییر «۲. مشخصات نهادی» دانست. به همین دلیل است که کوشش‌ها برای تغییر مسیر بسیار جدی کمیسیون در شرایط کنونی منتفی است.

۷. نتیجه

انفاذ اراده ناب‌ترین شکل اعمال قدرت است؛ این برای هر سیاست‌مداری یک دغدغه است که چگونه اراده خود را نافذ سازد و سیاست‌مداران به صورت‌های بی‌واسطه انفاذ اراده، که مؤثرتر و محسوس‌تر است علاقمندند. تقاضای اختیارات یا جایگاه فوق‌العاده‌ای برای کمیسیون، مثل ایجاد استقلال سازمانی و استقلال مالی که در نوشته‌های سال‌های اخیر دیده می‌شود، موضوع تازه‌ای نیست. همان‌گونه که سیاست‌مداران مخالف پیش‌تر گفته‌اند، چنین استثنائلی‌هایی آثار سوء خود را به همراه دارد. اجزای حکومت باید همگی تابع یک قانون واحد (ولو دارای انعطاف‌های درونی و نقشه‌های متعدد) باشند. زیرا این اجزا بخشی از دیوان‌سالاری هستند. تنها برای سطح غیردیوان‌سالارانه بخش عمومی (به عبارت دیگر سطح اساسی بخش عمومی) می‌توان الگویی استثنایی در سازمان طراحی کرد. پرسش اینجاست که آیا برای کمیسیون چنین مرتبه‌ای اساسی وضع شده است که استقلال سازمانی و مالی، و نیز مصونیت و امثالهم برای آن طلب می‌شود؟ تمهیدات فوق‌العاده منجر به برهم خوردن تعادل قوا می‌شود. از منظر توصیفی نیز سایر بازیگران سیاسی خارج از مجلس همدلی چندانی با رشد جایگاه کمیسیون ندارند. این کمیسیون در میانه دهه ۱۳۶۰ شمسی به حداکثر رشد خود رسیده است و بدون تغییری اساسی در موازنه کنونی قوا نمی‌توان انتظار داشت تلاش‌ها برای ارتقای جایگاه آن منتج شود.

گفتنی است شورای نگهبان به هیچ وجه با تشکیل این شورا موافقت نداشت. اما ظاهراً این بار مخالفت به اصل نودم بازنمی‌گشت و طبق نامه شماره ۹۵۰۹/۱۰۲/۹۸ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۹۸، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، ایراد به مشارکت نهادهایی بوده است که «در قانون اساسی دارای وظایف خاص هستند».

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اداره تبلیغات و انتشارات (۱۳۶۸). *راهنمای استفاده از صورت مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۲. بیکس، بریان (۱۳۸۹). *فرهنگ نظریه حقوقی*. ترجمه: محمد راسخ و همکاران. تهران: نی.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
۴. راسخ، محمد (۱۳۹۸). *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*. ویراست دوم. تهران: دراک.
۵. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). ج ۲: جلسه سی دوم تا پنجاهم. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۶. کدیور، جمیله (۱۳۸۳). *کمیسیون اصل نود*. ج ۳: کارنامه اصل نود در مجلس ششم. جلد ۳. تهران: امید ایرانیان.
۷. — (۱۳۸۳). *کمیسیون اصل نود*. ج ۲: فعالیت‌ها و چالش‌ها (۱۳۵۹-۱۳۷۹). جلد ۳. تهران: امید ایرانیان.

ب) مقالات

۸. ایمانی، عباس (۱۳۸۵). همگرایی حقوق و سیاست در اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی. *کانون وکلای* (۱۹۴-۱۹۵)، ۱۸۴-۱۹۴.
۹. بهنیا، مسیح و صادقی، امیرحسین (۱۳۹۹). کمیسیون اصل نود یا سازمان بازرسی کل کشور؟ مقایسه با نهاد آمبودزمان (با تأکید بر آمبودزمان پارلمانی انگلستان). *تحقیقات حقوقی*، ۲۳ (۹۱)، ۴۰۱-۴۲۸.
۱۰. رضایی‌زاده، محمدجواد و عابدی، سعید (۱۳۸۹). آمبادزمن: پاسدار حقوق شهروندان، مبتکر اصلاحات اداری. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۰ (۳)، ۱۵۱-۱۷۰.
۱۱. طلابکی طرقي، اکبر و عطار، محمدصالح (۱۳۹۶). الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها). *دانش حقوق عمومی*، ۶ (۱۷)، ۲۲-۴۱.
۱۲. عنابی، علیرضا و خلیلی شجاعی، فریور (۱۳۹۱). کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی. *کانون وکلای* (۲۸-۲۷)، ۵۹-۶۸.
۱۳. محمدی کرجی، رضا و جعفرزاده بهاء‌آبادی، علی‌رضا (۱۴۰۲). واکاوی واژه «طرز کار» در اصل نود قانون اساسی. *دانش حقوق عمومی*، ۱۲ (۳)، ۱۷۳-۱۹۸.
۱۴. موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و نهاد آمبودزمان (نهاد بازرسی و نظارت). *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۱۷ (۵۷)، ۱۵۷-۱۸۰.

(ج) پایان نامه ها

۱۵. بادامچی، علی (۱۳۷۵). کمیسیون اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی*. به راهنمایی عبدالحمید ابوالحمد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تاریخ دفاع ۱۳۷۵.
۱۶. زارعی، الهه (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی کمیسیون اصل نود و آموذمن. *پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی*. به راهنمایی جواد تقی زاده، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران. تاریخ دفاع ۱۳۹۳.

۲. انگلیسی**A) Books**

1. Choudhry, S. (2006). "Migration as a New Metaphor in Comparative Constitutional Law." In *The Migration of Constitutional Ideas*, edited by Sujit Choudhry, 1-35. Cambridge: Cambridge University.
1. Choudhry, S. (2006). "Migration as a New Metaphor in Comparative Constitutional Law." In *The Migration of Constitutional Ideas*, by Sujit Choudhry, 1-35. Cambridge: Cambridge University.
2. Mahoney, J., & Thelen, K. (2010). "A Theory of Gradual Institutional Change." In *Explaining Institutional Change: Ambiguity, Agency, and Power*, by James Mahoney, & Kathleen Thelen, 1-37. New York: Cambridge University.
2. Mahoney, J., & Thelen, K. (2010). "A Theory of Gradual Institutional Change." In *Explaining Institutional Change: Ambiguity, Agency, and Power*, edited by James Mahoney & Kathleen Thelen, 1-37. New York: Cambridge University.
3. Steinmo, S. (2008). "Historical Institutionalism." In *Approaches and Methodologies in the Social Sciences*, by Donatella della Porta, & Michael Keating, 118-138. Cambridge: Cambridge University.

B) Articles

4. Tushnet, M. (1999). The Possibilities of Comparative Constitutional Law. *The Yale Law*, 1225-1309.

C) Documents

5. "Belgium 1831 Constitution." *Constitute*. n.d.
https://www.constituteproject.org/constitution/Belgium_1831 (accessed July 15, 2023).

References In Persian:

A) Books

3. Advertising and Publishing Department (1989). *Guide to using the detailed form of the deliberations of the Parliament of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council ([In Persian](#)).
4. Annotated report of the deliberations of the Parliament of the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (1983). *Volume 2 - 32nd to 50th session*. Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council ([In Persian](#)).
5. Bix, B. (2009). *A dictionary of legal theory*. Translated by Mohammad Rasekh and colleagues. Tehran: Ney ([In Persian](#)).
6. Jafari Langaroudi, M. J. (13872008). *Legal terminology*. Tehran: Ganj Danesh ([In Persian](#)).
7. Kadiyar, J. (2004). *90th principle commission*. The third volume 3: the record of principle ninety in the sixth parliament. 3 Volumes. Tehran: Omid Iranian ([In Persian](#)).
8. _____ (2004). *90th principle commission*. The second volume Vol. 2: activities and challenges (13591980-13792000). 3 Volumes. Tehran: Omid Iranian ([In Persian](#)).
9. Rasekh, M. (2018). *Checks and balances in the Constitutional Law system*. Second Edition. Tehran: Drak ([In Persian](#)).

B) Articles

10. Anabi, A., & Khalili Shojaei, F. (2011). Commission on Article 90 of the Islamic Council. *Bar Association*, (27-28), 59-68 ([In Persian](#)).
11. Behnia, M., & Sadeghi, A. (2019). Principle 90 Commission or the National Inspection Organization? Comparison with the ombudsman institution (with emphasis on the Parliamentary Ombudsman of England). *Legal Research*, (91), 401-428 ([In Persian](#)).
12. Imani, A. (2006). The convergence of law and politics in the 90th principle of the Constitution of the Islamic Republic. *Bar Association*, (194-195), 184-194 ([In Persian](#)).
13. Mohammadi Karaji, R., & Jafarzadeh Bahabadi, A. (2023). Analyzing the Term "Performance" in the 90th Article of the Constitution. *Public Law Knowledge*, (41), 161-186 ([In Persian](#)).
14. Mouszadeh, I. (2011). Comparative study of the 90th principle commission and the ombudsman institution (inspection and supervision institution). *Judicial Law Perspectives*, (57), 157-180 ([In Persian](#)).
15. Rezayizadeh, M. J., & Abedi, S. (2010). Ambassador: guardian of citizens' rights, initiator of administrative reforms. *Faculty of Law and Political Sciences*, 40 (3), 151-170 ([In Persian](#)).
16. Talabaki Taroghi, A., & Attar, M. A. (2016). The requirements and solutions for establishing a national human rights institution in the Islamic Republic of Iran (in the light of the Constitution, Islamic human rights, the Paris Declaration and the practice of countries). *Knowledge of Public Law*, (17), 22-41 ([In Persian](#)).
17. Tushnet, M. (1999). The Possibilities of Comparative Constitutional Law. *The Yale Law Journal*, 1225-1309 ([In Persian](#)).

C) Theses & Dissertations

18. Badamchi, A. (1996). *Commission on Article Ninety of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Master's thesis in the field of public law. Under the Supervision of Abdulhamid Abulhamad. Tehran: University of Tehran, Faculty of Law and Political Science, History of Defense 1996 (In Persian).
19. Zarei, E. (2014). *Comparative study of the 90th principle commission and the ombudsman*. Public law master's thesis. Under the Supervision of Javad Taghizadeh, Faculty of Law and Political Sciences of Mazandaran University. Date of defense 2014 (In Persian).

D) Documents

20. Belgium 1831 Constitution. *Constitute.* n.d
(https://www.constituteproject.org/constitution/Belgium_2014). Accessed July 15, 2023
(In Persian).